

مطالعه بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر منطقه قفقاز جنوبی با تأکید بر نظریه پخش

علی مرشدی زاد^۱

عباس نوری^۲

چکیده

هدف این نوشتار، تبیین بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر منطقه قفقاز جنوبی با تأکید بر مسلمانان و شیعیان بر اساس نظریه پخش است، از این رهگذر، انقلاب اسلامی به‌عنوان مبدأ پخش و قفقاز جنوبی به‌عنوان مقصد، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در موضوع پخش نیز با ارائه شواهدی عینی در مسیر اثبات بازتاب‌های انقلاب بر این منطقه به این سؤال پرداخته می‌شود که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیراتی بر منطقه قفقاز جنوبی داشته است؟ روش تحقیق کیفی و رویکرد تحلیل اسنادی روشی است که این پژوهش از آن بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: بازتاب انقلاب اسلامی، قفقاز جنوبی، نظریه پخش، اسلام و غرب، شیعیان

Email: Alimorshedizad@yahoo.com

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

دانشگاه شاهد ID: 0000-0002-7074-7834

Email: abasnori64@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه

شاهد(نویسنده مسئول)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در همسایگی اتحاد جماهیر شوروی و به لحاظ استراتژیکی در یکی از مناطق مهم جهان به وقوع پیوست. انقلاب اسلامی در عرصه‌های داخلی و خارجی تأثیرات فراوانی بر جای گذاشت و به‌عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک، در عرصه ملی احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاصی برای حکومت و دولت بوده است. در عرصه جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، افکار و نظریات خاصی را بازنمایی کرده است. در این میان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، تغییرات مهمی در محیط جغرافیای سیاسی این منطقه به وجود آمده است. نکته‌ی مرتبط با انقلاب اسلامی ایران این‌که جمهوری اسلامی با چند کشور ضعیف حاصل از انحلال مواجه بود که از یک‌سو خود را در جوار یک ایران انقلابی می‌دیدند و از سوی دیگر با شکست ایدئولوژی مارکسیسم، دچار خلأ ایدئولوژی شده بودند. این شرایط برای انقلابی که بیش از یک دهه از عمرش می‌گذشت، بسیار مساعد بود که پیام انقلابی خویش را در شرایطی بهتر معرض نمایش بگذارد.

هدف پژوهش حاضر، بررسی بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر قفقاز جنوبی با تأکید بر مسلمانان و شیعیان این منطقه می‌باشد که در قالب نظریه پخش مورد بحث قرار گرفته است. سؤال اصلی پژوهش این‌که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر منطقه قفقاز جنوبی داشته است؟ در این مقاله ضمن بررسی نظریه پخش، تلاش می‌شود تا بازتاب انقلاب اسلامی بر این منطقه و همچنین مسیرهای پخش و اثرگذاری انقلاب اسلامی و نتایج حاصل از گسترش انقلاب در این منطقه را از دریچه نظریه پخش نشان داده شود. هرچند تا قبل از این، پژوهش‌هایی راجع به بازتاب و تأثیر انقلاب اسلامی در قفقاز انجام گرفته است، اما پژوهش حاضر از آن جهت که بازتاب انقلاب را در قالب نظریه پخش و به‌عنوان پخش فرهنگی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱- نظریه پخش^۱

واکاوی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر سایر جوامع و کشورها از دو منظر: (۱) بررسی بازتاب‌های انقلاب و (۲) ارزیابی سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر صدور انقلاب قابل

^۱. Diffusion.

انجام است. در این مقاله آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد مورد نخست یعنی، بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی است. در تبیین بازتاب‌های انقلاب، رهیافت‌های نظری چندگانه‌ای از نظریات همگرایی منطقه‌ای و جهانی و کارکردگرایی گرفته تا نظریه پخش، کاربرد دارند. در این پژوهش با در نظر آوردن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای منطقه قفقاز نظیر دوری و نزدیکی، بافت فرهنگی - اجتماعی نامتجانس و نوع بازتاب‌ها که به‌طور معمول فرهنگی بوده است، نظریه پخش یا اشاعه را در بازاندیشی این تأثیرات انتخاب شده است. این نظریه به دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری یا توضیحی چشم‌گیری برای نشان دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر دیگر نواحی دارد (Kuper, 1985: 203).

نظریه پخش یا اشاعه، از نظریه‌های رایج در توضیح چگونگی نوآوری‌ها و گسترش اندیشه‌ها است. هر چند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته‌ی جغرافیای انسانی است، اما در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز کمابیش به کار گرفته شده است (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۹). این نظریه برای تبیین چرایی رخداد گسترش پدیده‌ها در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف است (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲). این نظریه برای نخستین بار از سوی هاگر استراند^۱ و همکارانش در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی مطرح و نتایج و اصول آن را به‌طور قطعی در سال ۱۹۶۸ بیان نمود (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۲). به‌کارگیری این نظریه در موضوعات مختلف، ضمن بیان دلایل آن، رویکردی برای جلوگیری از انتشار و گسترش رویدادها ارائه کرد (Palloni, 2007: 8). این نظریه، گسترش هر نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین کرده و علت اشاعه، نحوه گسترش و مجاری پخش و هم علل توقف آن و نیز گسترش مجدد آن را توضیح می‌دهد (کریمی فرد و حزباوی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). اصطلاح دیگری که برای اشاعه‌ی فرهنگ و یا حوزه‌های دیگر کاربرد دارد، مفهوم سرایت است که هاس^۲ برای گسترش هم‌گرایی اقتصادی (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۶۳) به کار می‌برد که می‌توان آن را به مسائل فرهنگی و فکری نیز تعمیم داد. پخش را در کل می‌توان فرایندی دانست که طی آن یک فرهنگ به‌عنوان شاخصه یک جامعه را در جامعه‌ای دیگر مورد استقبال قرار داد و پذیرفت (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

^۱ . Torstan Hagerstrand

^۲ . Esmt B. Haas.

پخش به انواعی مختلف، شامل جابه‌جایی، سرایتی^۱ و سلسله مراتبی^۲ تقسیم می‌شود. لازمه پخش، جابه‌جایی و انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه است. در پخش سلسله مراتبی، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل و گسترش می‌یابند (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۶۲-۶۳) و ایده‌ها از طریق یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد. در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ چون در اینجا، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. دو نوع پخش سلسله مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که با سرعت انتشار بالا از نوع پخش انبساطی^۳ محسوب می‌شوند (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷). در مطالعه و تحلیل بازتاب‌ها، هر نوآوری سیاسی بر اساس نظریه پخش، مبدأ و مقصد، بازه‌ی زمانی، ابزارها و کانال‌ها و درنهایت موضوع پخش و اکاوی می‌شود. هم‌چنین موانع و امواج رقیب از عوامل کاهنده به شمار می‌رود که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن باید در نظر گرفته شود (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹).

۲) اصول و مؤلفه‌های نظریه پخش

از نگاه استراند شش اصل به‌عنوان اصول و مؤلفه‌های اساسی این نظریه قابل بیان می‌باشند:

۲-۱) **حوزه و محیط اولیه پدیده:** اولین عامل، حوزه و محیطی است که در آن پدیده پخش ایجاد می‌شود. این محیط به لحاظ طبیعی یا محیطی، انسانی یا اجتماعی دارای خصوصیات خاصی است.

۲-۲) **زمان پخش:** دومین عامل، زمان است. یک پدیده در طول زمان به مناطق دیگر گسترش می‌یابد. زمان می‌تواند روزها و سال‌ها و به‌صورت دوره‌های جدا از هم باشد.

۲-۳) **موضوع یا پدیده پخش:** عامل سوم در نظریه پخش به موضوع و پدیده باز می‌گردد. مسئله و رویدادی که از یک حوزه به دیگر مناطق نشر می‌یابد، می‌تواند نوآوری‌های فنی و علمی، یافته‌های جدید کشاورزی و تولیدی، پدیده‌های اجتماعی چون رفتار، گویش و مد لباس و امراض و بیماری‌های واگیر و یا فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی نظیر انقلاب‌ها باشد.

1. Relocation.

2. Contagious.

3. Hierarchic

4. Expansion.

۲-۴) **مبدأ پخش:** پدیده‌هایی چون نوآوری و امراض از مکان‌های خاص و مبدأ خاصی به دیگر حوزه‌های جغرافیایی انتشار می‌یابند. مبدأ پخش دارای خصوصیات و شرایط خاصی برای ایجاد و تشکیل پدیده هستند که به دلیل مقبولیت مردمی به دیگر مناطق گسترش می‌یابد.

۲-۵) **مقصد پخش:** حوزه‌ها و مکان‌هایی که موضوع و پدیدهٔ پخش در طول زمان در آن گسترش یافته و بین مردم این مناطق پخش می‌شود.

۲-۶) **مسیر حرکت پدیده:** موضوع پخش در مسیرهای خاصی جریان می‌یابد و این مسیرها به دلیل داشتن شرایط خاص، پدیدهٔ پخش را به مقصد می‌رسانند (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۱).

۲-۷) **موانع پخش:** موانع، چالش‌ها و امواج رقیب ممکن است امواج پخش پدیده را مغشوش ساخته و از مسیر صحیح آن منحرف کند (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹).

۳) عوامل نظریهٔ پخش و تأثیر انقلاب اسلامی بر قفقاز جنوبی

انقلاب اسلامی ایران بر سایر جوامع از جمله بر همسایگان خویش دارای تأثیراتی بوده است. از این رهگذر، هر سه گونه پخش جابه‌جایی، سرایتی و سلسله مراتبی را می‌توان به‌نوعی در مطالعهٔ موردی بازتاب انقلاب اسلامی بر قفقاز بررسی کرد. نمونه‌ای از مصادیق پخش جابه‌جایی در اعزام مبلغان به این کشورها و دعوت از نخبگان خارجی است. در پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. «اثر همسایگی» در پخش سرایتی، عامل کلیدی تلقی می‌شود. در پخش سلسله مراتبی نیز می‌توان نقش عنصر «پیشاهنگ‌ها» را برجسته کرد. موقعیت استراتژیک ایران و قدرت فرهنگی انقلاب اسلامی در پخش سلسله مراتبی آن جایگاه ویژه‌ای دارد. بدین سبب ایران تلاش می‌کند با تأثیرگذاری بر نخبگان فرهنگی، سیاسی و مذهبی و جذب آنان به انقلاب، روند اشاعهٔ فرهنگی را به گونهٔ سلسله مراتبی محقق سازد (رمضانی، ۱۳۸۸: ۵۵).

۳-۱) انقلاب اسلامی ایران مبدأ پخش

1 . Neighbor Effects.

2 . Avant-garde

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فرهنگی است که به نسبت نظام‌ها و انقلاب‌های دیگری که تاکنون به وقوع پیوسته تمایزات خاصی دارد. آنچه در جامعه ایران رخ داد، تحول و رویدادی فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی بود (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۳۲). انقلاب اسلامی ایران ضمن آن که خود مبدأ پخش بود، از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه، به بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده است. به‌ویژه در دهه سوم انقلاب، با گذر زمان و تراکم و اشباع پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، به تدریج این پخش به‌جای تک مرکزی به چندمرکزی تغییر وضعیت می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶).

۲-۳) قفقاز؛ مقصد پخش

به شکل طبیعی، محیط حوزه‌های پخش، گاه پذیرا (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه، ناپذیرا هستند. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی درحالی که عوامل ناپذیرا موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۸). در بررسی بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر قفقاز، به محیطی برمی‌خوریم که امواج پخش، وارد محیطی می‌شود که تلاش برای قطع پیوندهای دینی و تاریخی مردم این مناطق از گذشته اسلامی و جایگزینی آرامنه و روس‌ها به‌جای مسلمانان در مناطق مسلمان‌نشین به‌خصوص آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، تاتارستان، ایجاد خفقان اجتماعی و سیاسی و سرکوب‌های دیکتاتورمنشانه‌ی کمونیست‌ها صورت می‌گرفت و تلاش زائدالوصف حکومت برای انقطاع فکری مردم با سایر نقاط دنیا که در مورد مناطق شیعه‌نشین، حساسیت بیشتری در قطع ارتباط با جمهوری اسلامی ایران داشتند اجرا می‌شد. از سوی دیگر، تبلیغ و ترویج افکار و ادیان الحادی و انحرافی برای بیگانه کردن مردم این مناطق از خود و سرکوب شدید اسلام‌گرایی و مبارزه با دین و کشتار وسیع علما و عدم اجازه‌ی رشد فقهی دینی مسلمانان و به دنبال آن تأسیس اداره‌ی روحانیون قفقاز در جهت تحریف دین اسلام و تحت کنترل درآوردن امورات و مسائل دینی ازجمله اقدامات حکام این مناطق از دیگر مسائل قابل توجه بود (جباری، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶).

۳-۳) زمان پخش

از نظر برخی اندیشمندان، در نخستین سال‌های انقلاب اسلامی، تأثیرگذاری و بازتاب انقلاب در سایر کشورها گسترده و فزاینده بوده و با گذشت زمان اثرات آن محدودتر شده است. آن‌ها معتقدند میزان پذیرش با افزایش زمان کاهش می‌یابد. در واقع در بررسی عوامل کاهش‌دهنده تأثیرات در کنار مسافت، گذشت زمان را نیز از عوامل مهم در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند. نیکی کدی معتقد است: «تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی، برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن است» (keddie, 1980: 118). نگرشی این‌چنینی به اثرات پدیده‌هایی همچون انقلاب و ساده‌سازی آن در این سطح از تحلیل، ضمن وارد آوردن خدشه در درک و دریافت از واقعیات، پیش‌بینی نتایج و آثار را در عمل، دچار نقایص می‌کند. این بازتاب‌ها در زمان‌های متفاوت، شرایط متغیر ایران، کشور مقصد، منطقه و نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای سیال دچار انقباض و انبساط می‌شود که باید در تحلیل این موضوع لحاظ شود. در مطالعهٔ موردی قفقاز، بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی، از وقوع انقلاب و فروپاشی شوروی سابق و استقلال جماهیر آن تاکنون، تجربه‌های تأثیرگذار متفاوتی بر جای گذاشته است. هرچند این دوره کلی نیز بازه‌های زمانی جزئی‌تری را شامل می‌شود (خان‌آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

۳-۴) موضوع پخش

از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب فرهنگی و سیاسی می‌باشد، موضوع پخش نیز موضوعی سیاسی و فرهنگی است. عناصر اساسی پخش انقلاب ایران مواردی مانند بیداری اسلامی، اعتماد به نفس سیاسی، ایجاد دولت اسلامی و در مجموع «اسلام سیاسی»^۱ است (برزگر، ۱۳۹۱: ۵۹).

۳-۵) راه‌ها و ابزارهای پخش انقلاب در قفقاز

فراتر از پخش غیرارادی یا رفلکسی، جمهوری اسلامی ایران، نه تنها مانعی برای پخش نوآوری ایجاد نکرده، بلکه خود، عامل پخش شده و با اتخاذ سیاست صدور انقلاب امکان انتقال با سهولت بیشتر آن را فراهم کرده است (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶). اصل صدور انقلاب با استفاده از استراتژی‌های الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی و آموزش در تعامل با دیگر کشورها

^۱ . Political Islam

^۲ . Issued a revolution.

به کاررفته است. ایران با قفقاز دارای مشترکاتی از جمله زبان و مذهب می‌باشد که زبان، ابزار مهمی در مبادلات و پخش فرهنگی است و زبان‌های فارسی و ترکی و دیگر زبان‌های نزدیک به فارسی مشترکات فراوانی دارند، لذا انقلاب ایران تأثیرات به نسبت زود هنگام بر این منطقه داشته است (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱).

۴) جغرافیای قفقاز و تاریخچه‌ی روابط با ایران

قفقاز، منطقه‌ای کوهستانی، در جنوب غربی روسیه و شمال غربی ایران است که از غرب به دریای سیاه و آزوف، از جنوب غربی به ترکیه و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. مساحت کل قفقاز ۴۴۰ هزار کیلومتر مربع است. این منطقه به وسیله‌ی رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ (آب‌پخشان) به دو قسمت جدا تقسیم شده است: الف) قفقاز جنوبی یا این‌سوی قفقاز؛ شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان. ب) قفقاز شمالی یا ماورای قفقاز؛ شامل جمهوری‌های خودمختار تحت حاکمیت فدراسیون روسیه به ترتیب از شرق به غرب؛ داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کارباردا - بالکار، قاراچای، چرکس و آدیگه (افشردی، ۱۳۸۱: ۳۷). این منطقه از نظر اقتصادی، منابع طبیعی، چشم‌اندازهای اقلیمی، تاریخی و فرهنگی از مناطق بسیار مهم در جهان و محل تلاقی اروپا و آسیا از یک نظر و اسلام و مسیحیت از جهت دیگر است و از حیث سیاسی، این منطقه اهمیت سوق‌الجیشی زیادی دارد؛ به طوری که از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. قفقاز، یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن بشری است و تمدن ایرانی از دوره‌ی هخامنشی، یعنی ۶۰۰ سال پیش از میلاد در این منطقه حضور داشته است. در این دوره، دولت‌های قفقاز جنوبی (گرجستان، آذربایجان (آران) و ارمنستان) یا جزو ایالات و یا خراج‌گذار ایران بوده‌اند. «در کتیبه داریوش بزرگ، پادشاه هخامنشی در بیستون کرمانشاه از منطقه قفقاز به‌عنوان ایالتی که داریوش بر آن تسلط دارد، نام برده شده و مردم آن به اطاعت از او و دادن خراج وادار شده‌اند». (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۱۸۸) گراهام فولر^۳ بر اساس همین پیشینه‌ی تاریخی، دغدغه‌ی ایران نسبت به قفقاز جنوبی را توجیه‌پذیر می‌داند: کشورهای گرجستان، ارمنستان و آذربایجان در قفقاز جنوبی طی دوران‌های تاریخی و درازمدت، تحت سیطره‌ی فرهنگی

^۱ Ciscaucasia

^۲ Transcaucas

^۳ Graham fuller

ایرانیان قرار داشتند و یا رسماً خراج‌گذار ایرانیان بوده‌اند. از این رو ایران تا به امروز، نقش تاریخی خود را در این منطقه فراموش نکرده و به تحولات قفقاز و آسیای مرکزی، علاقه‌ی زیادی نشان می‌دهد (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۹). فرد هالیدی^۱، مورخ شهیر معاصر تاریخ ایران، دوره‌های سیطره ایران بر قفقاز را این‌گونه تشریح می‌کند: «در دوره‌ی قبل از اسلام، دولت‌های ایرانی بر تمام یا اکثر مناطق قفقاز حکمرانی نمودند. در دوران اسلامی نیز فرهنگ، زبان و تأثیر اقتصاد ایران بسیار قوی بود... با ظهور دولت جدید ایران در حدود ۱۵۰۰ میلادی در قریب به اتفاق سال‌های پس از آن در عصر حکمرانی سلسله صفویه تا اوایل سلسله قاجار، همواره بخشی از خاک ایران بوده است. رواج تشیع در آران (آذربایجان) نیز تحت تأثیر ایرانیان از همین دوره آغاز شده است. در رابطه با قفقاز شمالی نیز رد پای روشنی از نقش تمدن ایرانی وجود دارد؛ به طوری که از حیث تبارشناسی، مردم اوستیای شمالی (جنوبی) خود را ایر (مفرد) و ایران (جمع) و زبان خود را ایرانی و میهن خودشان را نیز ایرانستان می‌خوانند. جزء «ایر» در این نام‌ها از ماده آریا ایران باستان گرفته شده است که نام قومی همه مردم ایرانی زبان است. آس‌ها تنها باقیمانده شاخه‌ی شمالی اقوام ایرانی به شمار می‌روند (برجیان، ۱۳۸۱: ۴۳).

۵) تأثیرات انقلاب اسلامی بر قفقاز، قبل و بعد از فروپاشی شوروی

۱-۶) قفقاز پیش از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱-۱۹۷۹)

وقایع و پیام‌های انقلاب اسلامی در قلمرو شوروی سابق، به‌ویژه بین مسلمانان، جذابیت فراوانی داشت. شخصیت امام خمینی (ره) چنان بود که تأثیرات شگرف ایشان بر میلیون‌ها انسان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان در قفقاز شمالی و جنوبی، قابل‌انکار نیست. روزنامه تاجیکستان کمونیست^۲ در سال ۱۹۸۷م در خصوص فعالیت ایدئولوژیکی در نظریه انقلاب اسلامی نوشت: «اکنون موارد بیشتری از معتقدات مذهبی توسط مسلمانان فعال به جوانان مسلمان آموخته می‌شود. جزوات و نوارهای کاست با ایدئولوژی مخرب که از آموزش‌های اسلامی کپی شده، پخش می‌گردد. حتی فیلم‌های ویدئویی با مضامین اسلامی از خارج رسیده نمایش داده می‌شود. مردم جمهوری‌ها همچنین به رادیوهای خارجی - که با اهداف

^۱ Fred Holiday

^۲ . Ir

^۳ . Aas

^۴ . Tajikistan communist

گسترش و توسعه‌ی عقاید مذهبی برنامه پخش می‌کنند- گوش فرا می‌دهند». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۰۹/۱۹).

گورباچف^۱ در سال ۱۹۸۵ با طرح فضای باز سیاسی (گلاسنوست)، تا حدودی به جمهوری‌ها آزادی عمل داده بود و درعین حال، مسکو از فعالیت‌های تبلیغی انقلاب اسلامی به شدت نگران بود. ایگور بالیف در مقاله «اسلام و سیاست» در این مورد می‌نویسد: «تنها در مرز شوروی و ایران ۳۸ ایستگاه رادیویی وجود دارد که درباره اسلام و انقلاب برنامه پخش می‌کند و این رادیوها هرچند به طور رسمی، تنها در مورد مذهب می‌گویند و وانمود می‌کنند که صدور انقلاب اسلامی، تبلیغات برای دشمنی و کینه‌توزی نیست، آشکارا آن اهداف را پی می‌گیرند». بالیف با اشاره به رشد انتشارات مذهبی زیرزمینی و مخفیانه و با روش‌های تبلیغاتی که در انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت، استدلال کرد که اسلامی شدن، جریان پیدا کرده، انتشارات مذهبی به طور گسترده تایپ و تکثیر می‌شود و از متون مقدس اسلامی و سخنرانی‌های مقامات مسلمان، نوارهای کاست، تهیه و ضبط می‌گردد (بالیف، ۱۳۷۵: ۱۹۷-۱۹۸).

این مسئله می‌توانست فرایند استقلال طلبی را حداقل در بخش مهمی از مردم قفقاز تشدید کند. روزنامه‌ی لوموند آفرانسه در آن سال‌ها (۱۹۸۹) نوشت: «مسلمانان شوروی هم‌اکنون معتقدند که ایران اسلامی با انقلاب خود توانست اسطوره آمریکایا، یعنی شیطان بزرگ را در هم بشکند؛ پس چرا آن‌ها امیدوار نباشند که روزی بتوانند از شر شیطان دوم، یعنی واسطه روس‌ها، خود را آزاد سازند» (علی یف، ۱۳۸۵: ۳۳۴). پیام‌رهای بخش انقلاب اسلامی، احساسات آزادی‌خواهی غیرمسلمانان منطقه قفقاز را نیز شدیداً تحریک نمود. انقلاب اسلامی توانسته بود نظام استبدادی سلطنتی در ایران، نظیر نظام استبدادی کمونیستی در شوروی را براندازد. از این لحاظ، مطالعه دستاورد آزادی‌بخش انقلاب اسلامی برای آنان جذابیت داشت.

فرهاد کلینی از کارشناسان مسائل قفقاز در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر احساسات استقلال طلبی قفقازی‌ها معتقد است: «انقلاب اسلامی باعث ایجاد روحیه مخالفت در کشورهای این منطقه با حاکمیت شوروی و استقلال طلبی آن‌ها شد و آن‌ها از انقلاب ایران

^۱ Mikhaail Sergeyevic Gorbachev

^۲ . Le Monde

برای حرکت استقلال طلبانه خود الهام می‌گرفتند و این تأثیرات با توجه به خصوصیات خاص انقلاب اسلامی در نگرش عمیق و برداشت صحیح از توحید، اثرات انقلاب را به شیعیان و مسلمانان محدود نکرده و در ارمنستان نیز نفوذ زیادی داشته؛ به طوری که مردم ارمنستان بعد از وقوع جنگ تحمیلی [عراق علیه ایران]، اخبار آن را خیلی دقیق پیگیری می‌کردند» (برگرفته از: www.Farsnews.Com, ۱۳۸۵/۵/۱۶).

نامه‌ی امام خمینی (ره) به گورباچف- که در ۱۹۸۹ برای رهبر شوروی نگاشته شد- نقطه عطفی در فرایند تأثیرگذاری معنوی و نظری انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی قفقاز محسوب می‌شود. این نامه پرمحتوا که پیش‌بینی فروپاشی مارکسیسم^۱ نکته محوری آن بود، تأثیر روشنی بر افکار عمومی مردم شوروی، از جمله قفقازی‌هایی گذاشت که اشتراکات تاریخی، فرهنگی، نژادی و عقیدتی با ایران داشتند. نیکلای میشین، نویسنده مشهور روسی در این زمینه نوشت: «وقتی امام، نامه را خطاب به گورباچف نوشتند، دولت‌مردان وی تلاش کردند متن نامه امام در جامعه منتشر نشود؛ زیرا از تأثیر آن هراس داشتند» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸/۰۳/۲۵).

گورباچف در ژانویه ۱۹۹۰ به ایران هشدار داد که از مداخله در امور داخلی جمهوری‌های همسایه، خصوصاً آذربایجان و دامن زدن به رادیکالیسم اسلامی و استقلال طلبی دست بردارد. پس از مدت کوتاهی آشکار شد که این قبیل هشدارها دیگر نمی‌توانست از روند سریع فروپاشی ممانعت کند. امری که پس از چندی گورباچف به آن اذعان کرد: «امروز که من شاهد این اوضاع [فروپاشی] هستم، پیام آیت‌الله خمینی در ذهنم نقش می‌بندد که او گفته بود؛ من مارکسیسم را به‌زودی در موزه‌های تاریخ می‌بینم. من از همان زمان تصمیم گرفتم حرکتی را آغاز کنم، لذا اصلاحات انجام دادیم. آزادی سخن و بیان دادیم. تعداد مساجد و کلیساها افزایش یافت. ما به مردم ابتکار شخصی برای تأمین زندگی دادیم» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸/۰۳/۲۵).

۲-۶) قفقاز پس از فروپاشی شوروی (از ۱۹۹۱ تاکنون)

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، رویدادی پرمعنا در تاریخ معاصر است. این امر، تغییرات مهمی در محیط جغرافیای سیاسی این منطقه به دنبال داشت. آنچه به انقلاب اسلامی ایران مربوط می‌شود، این است

^۱ . The collapse of Marxism

که ایران به جای آن که با یک کشور قدرتمند، به نام شوروی، طرف باشد، با چند کشور ضعیف حاصل از انحلال مواجه شده بود که از یک سو خود را در جوار یک ایران انقلابی می‌دیدند، از طرف دیگر با شکست ایدئولوژی مارکسیسم، دچار خلأ ایدئولوژی شده بودند این شرایط برای انقلابی که بیش از یک دهه از عمرش می‌گذشت، بسیار مساعد بود تا پیام و روح انقلابش را به مردم این کشورها منتقل کند. انتقاد اصول‌گرایان در ایران از دستگاه دیپلماسی انقلاب از این ناحیه است که در صدور انقلاب به‌اندازه‌ی کافی از خود جدیت نشان نداده است. حقیقتی روشن که در خصوص تغییر ایدئولوژیکی سیاست نظری انقلاب اسلامی پس از فروپاشی به چشم می‌خورد این که، انقلاب اسلامی پس از فروپاشی شوروی، زمانی که با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در رابطه با قفقاز به رقابت افتاد، تا حدود زیادی از سیاست آرمان‌گرایی به سمت سیاست واقع‌گرایی متمایل شد. از باب نمونه، علی‌رغم برخی اقدامات اولیه در دهه ۱۹۹۰ برای حمایت از اصول‌گرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ایران به‌طور کلی، حمایت خود را از این دیدگاه برداشته و به جای آن بر توسعه اقتصادی تمرکز کرده بود (سانیا و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۹۹). در خصوص آذربایجان، با توجه به زمینه‌های مشترک فراوان، انقلاب اسلامی بر گرایش‌های سیاسی آذری‌ها تأثیرگذار بوده، به طوری که به دنبال بروز جدی علانم فروپاشی شوروی، اندیشه گرایش به ایران در حد وسیعی در بین مردم عادی و روشنفکران آذری و شکل تجمع در کنار مرزها و هجوم به سمت ایران با عبور از رود ارس، حتی در فصل زمستان به‌وسیله‌ی شنا و با گذشتن از خشکی و با کندن سیم‌خارده‌های مرزی و دادن شعارهای وحدت، جلوه‌گر شد. انگیزه‌ی توده‌های مردم از این حرکات، بازگشت به اصالت‌هایی بود که به‌وسیله‌ی روس‌ها از آن‌ها سلب شده بود (شیخ عطار، ۱۳۷۳: ۸۸).

۷) نموده‌های عینی بازتاب انقلاب اسلامی بر قفقاز

انقلاب اسلامی ایران بعد از فروپاشی شوروی تأثیرات عینی فرهنگی و سیاسی در منطقه قفقاز جنوبی داشته است. انقلاب اسلامی باعث احیای هویت دینی این جوامع، بازگشت اخلاق و دین به عرصه اجتماع و سیاست، تقویت روحیه استکبارستیزی و مبارزه با سلطه‌طلبی ابرقدرت‌ها شده و علاوه بر آن موجب شده تا گروه‌های اسلام‌گرا خواستار مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی خود باشند. در ادامه به چند نمونه از نموده‌های عینی این تأثیرگذاری می‌پردازیم.

۷-۱) انقلاب اسلامی، ایدئولوژی مستقل غیر وابسته به شرق و غرب

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مطرح شدن اسلام به عنوان ایدئولوژی مدعی حکومتی مبتنی بر پایه‌ها، اصول و برنامه‌های مدون دینی، نظرگاه آزادی خواهان و مسلمانان دنیا به خصوص مردم مسلمان و مؤمنین جمهوری آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت: «انقلاب اسلامی موجب تغییر دیدگاه‌های مسلمانان نسبت به دین اسلام می‌گردد. قبلاً وقتی حرف از دین زده می‌شد، قبرستان‌ها، ملاهای گرسنه، ارتجاعی، منحرف کننده دین و... در اذهان مردم تداعی شده و دین به عنوان یک وجود منفی تلقی می‌گردید. اما وقتی در ایران انقلاب شد، این دیدگاه عوض گردید. وقتی یک روحانی به عالی‌ترین مقام یک کشور بزرگ متشکل از چندین جمهوری، نامه می‌نویسد و او را به دین دعوت می‌کند، خاطره‌های گذشته از بین می‌رود. درخواست مناظره و مصاحبه ایدئولوژیکی امام از کمونیست‌ها، تأثیرات خیلی عمیقی بر روی مردم داشته است که حتی از تأثیرات یک انقلاب نیز بالاتر بوده است» (علی‌یف، ۱۳۸۵: ۶۵).

۷-۲) فعال شدن حرکات دینی و ایجاد آزادی معنوی

انقلاب اسلامی موجب آزادی معنوی مسلمانان قفقاز گردید. آن‌ها معتقدند از جمله برکات انقلاب اسلامی ایران این است که ما آزادی پیدا کردیم و نوعی آزادی معنوی نصیبمان شد. این برکات خاص مردم یک منطقه نبود و شامل تمام ملل جهان می‌شود. انقلاب اسلامی ایران سبب دگرگونی دیدگاه‌ها می‌شود و حتی ملاهای درباری و بی‌سواد دگرگون شدند. معنای من و خود، جای خود را به ما داد. اسلام معنای جدیدی پیدا کرد و معنای قبلی خود را از دست داد و به طور کلی انقلاب اسلامی ایران موجب فعال شدن حرکات دینی و وحدت اسلام‌گرایان شد (شفایی، ۱۳۸۸: ۲۳).

۷-۳) تعریف جدید از شعار عدم جدایی دین از سیاست

تأثیر ایدئولوژی و شعارهای انقلاب اسلامی ایران همچون بسیاری از کشورها در مردم قفقاز به خصوص کشور شیعه‌ی جمهوری آذربایجان قابل توجه بوده است. شعار عدم جدایی دین از سیاست، سرلوحه قرار گرفتن عزاداری ماه‌های محرم و صفر برای بیان واقعیات جامعه، توجه

ویژه به اعیاد و مناسبت‌های شیعی همچون عید غدیر و نیمه شعبان، پرداخت و جوهات شرعی، رفت‌وآمدهای مردمی به اماکن مذهبی به‌خصوص عتبات عالیات، گسترش نمادهای اسلامی همچون حجاب و طرح آن به‌عنوان مصونیت نه ممنوعیت، افزایش حضور مردمی در محیط‌های اسلامی با ظواهر شرعی همچون گذاشتن ریش و مخالفت با مشروبات الکلی و حتی تقبیح کشیدن سیگار و... بروز می‌نماید (جباری، ۱۳۹۰: ۴۴).

درحالی‌که چندین سده بود تبلیغات و اقدامات ضد دینی در جامعه‌ی غرب و کشورهای کمونیستی انجام می‌شد و ایده‌ی جدایی دین از سیاست بر جوامع مستولی گشته بود و دین در محترمانه‌ترین شکل به‌عنوان پدیده‌ای فردی محسوب می‌گشت، با انقلاب اسلامی ایران و محور قرار گرفتن دین و حضور ولی‌فقیه در رأس امورات و نظارت کامل بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه، دیدگاه‌های مسلمانان نسبت به دین تغییر بنیادین یافت و نظریه جدیدی با این عنوان که دین جوابگوی تمام سؤالات بشری است، شکل گرفت. علاقه‌مندی به منابع اصیل دینی به‌خصوص قرآن کریم، نهج‌البلاغه، اصول کافی، تفسیر المیزان، زندگینامه و پیام امام خمینی به گورباچف و صدها کتاب از آثار شهید مطهری، آیت‌الله مصباح، امام خمینی، آیت‌الله سبحانی، دکتر شریعتی و... از جمله کتب و آثاری می‌باشد که روزبه‌روز بر جویندگان آن‌ها افزوده می‌شود و شاهد افزایش تمایلات دینی و تلاش مردم برای بالا بردن دانسته‌های دینی هستیم نزدیک به ۶۰ الی ۷۰ درصد کتاب‌هایی که فروخته می‌شوند، کتب دینی هستند (روزنامه باکو، ۱۳۸۷/۰۶/۲۰).

۴-۷) شجاعت و خودباوری

در طول بیش از هفتادسال حکومت کمونیست‌ها، هراس بر جان‌ودل مردم سایه انداخته بود، به‌گونه‌ای که مردم حتی به دیوار خانه‌هایشان نیز اعتماد نداشتند، اما پس از انقلاب اسلامی ایران چنان تحولی در شیعیان حقیقی و مردم مؤمن این کشور ایجاد شد که حاضر بودند هرگونه فشار و اذیت و حبس را تحمل کنند، اما از آرمان‌های دینی خود دست بر ندارند. در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران که تنها منبع ارتباطی شیعیان جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، رادیو تبریز و رادیو اردبیل و گاهی رادیو رشت و رادیو ارومیه بود. فرهنگ شهادت و مقاومت و جهاد حاکم در ایران به جمهوری آذربایجان منتقل گردید (علی‌یف، ۱۳۸۵: ۸۲).

۷-۵) رشد و ترویج نمادهای جدید اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی سمبل‌های جدیدی ارزش می‌یابند و پدیده‌هایی همچون حجاب، ریش گذاشتن، کراوات نزدن، تقبیح مشروبات الکلی، سیگار نکشیدن، توجه خاص به اماکن مذهبی (مسجد و زیارتگاه) در منطقه بیش‌ازپیش مطرح می‌گردند و شاهد افزایش قابل توجه رشد این پدیده‌ها در جوامع مختلف می‌شویم. یکی از نمادهای اسلامی، حجاب است که بعد از انقلاب اسلامی ایران شاهد رشد قابل توجه آن در کشورهای اسلامی به خصوص کشورهای منطقه و جمهوری آذربایجان هستیم. مبارزه‌های فراوانی برای برقراری و آزادی حجاب در کشورهای منطقه از جمله ترکیه و جمهوری آذربایجان انجام می‌شود که در این راستا رویارویی مردم با حکام دین‌ستیز به صدر اخبار کشورها تبدیل شده است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۹ ده‌ها تجمع و صدها میزگرد و کنفرانس برای دفاع از حجاب انجام شده است و هم‌اکنون ده‌ها نفر از اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان به خاطر اعتراض به ممنوعیت حجاب در مدارس متوسطه جمهوری آذربایجان در زندان به سر می‌برند. به علت اینکه حجاب از مظاهر و نمادهای اسلام می‌باشد و به‌غیر از آثار فردی، رعایت آن در جامعه تبعات مثبت بسیاری همچون عفت و تعمیق باورهای دینی را دارد، فلذا حکومت به مقابله با این اصل می‌پردازد. آن‌ها اصلی‌ترین رکن احکام را نشانه رفته‌اند، زیرا می‌دانند حجاب مدخلی برای رسیدن به سایر احکام اصلی و پایه‌ای دین اسلام می‌باشد. حجاب و عفت در آیات و روایات جایگاه بس رفیعی دارد و خط قرمز دین‌داران محسوب می‌شود چراکه اگر حاکمیت در این مورد موفق شود و دین‌داران عقب‌نشینی کنند در سایر موارد راحت‌تر می‌توانند رشد اسلام‌گرایی را مهار کنند (جباری، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹).

۷-۶) رشد جریان‌های سیاسی- اجتماعی اسلامی در منطقه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحركات اسلامی و فعالیت‌های دینی مسلمانان بیشتر گردیده است. حساسیت دین‌داران نسبت به وقایع داخلی و حوادث جهان اسلام گسترده شده است. اکنون اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان، خواستار اصلاح امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور هستند. در چند سال گذشته رویارویی دین‌داران با حکومت برای آزادی حجاب اسلامی، مبارزه با مسجد ستیزی، مقابله با اذان ستیزی، دفاع از روحانیت و مرجعیت دینی، مقابله با اهانت به مقدسات دینی و دفاع از مسلمانان لبنان و فلسطین و... شکل گسترده‌ای یافته است به طوری که این تحركات با سرکوب حکومت جمهوری آذربایجان جواب

داده می‌شود مواجه می‌شود. در چند سال اخیر، چالش‌های زیادی میان اسلام‌گرایان، حکومت و مخالفان اسلام سیاسی ایجاد شده است. دین‌داران با حضور در میدان مبارزه با مخالفان دین و اسلام‌گرایی، توانسته‌اند خود را به‌عنوان جریانی فعال در صحنه‌های اجتماعی - سیاسی مطرح نمایند. امروزه ده‌ها جمعیت و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند که در مقاطع مختلف و نسبت به جریانات پیش‌آمده واکنش نشان می‌دهند. جمهوری گرجستان بیش از ۱۰ تشکل شیعی و حدود ۳۰۰ مسجد وجود دارد که اکثریت آن‌ها فعالیت مذهبی و فرهنگی دارند (برجیان، ۱۳۸۱: ۳۱).

۷-۷) ایجاد هسته‌های اولیه تحركات دینی - اسلامی و انقلابی

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، اسلام‌گرایان و حتی نهضت‌های آزادی‌بخش غیرمسلمان نیز روحیه‌ای مضاعف یافتند. شعارهای مبارزه با دیکتاتوری و احیای اسلام تازه گردید و انقلاب اسلامی به‌عنوان الگوی مبارزه انتخاب گردید. عدم وابستگی به شرق و غرب باعث شد تا ایده جدیدی شکل بگیرد و بر اساس همین ایده هسته‌های اولیه برای تحركات سیاسی و اجتماعی اسلامی در جهان اسلام شکوفا گردید و نفس تازه‌ای در سینه انقلابیونی که نمی‌توانستند سربلند کنند، دمیده گردید. اسلام‌گرایان و دین‌داران جمهوری آذربایجان نیز با تأسی از انقلاب اسلامی ایران شروع به ایجاد گروه‌های مختلف و احزاب اسلامی نمودند. این گروه‌ها همواره مورد اتهام حکام غرب‌زده و همچنین گروه‌های غیر اسلامی تحت نفوذ ایادی استکبار قرار داشته است. گروه‌ها و احزاب اسلامی در طول دودهه گذشته با سرکوب حکومت مواجه بوده‌اند و سال‌های سال زندان دژخیمان دین‌ستیز را تحمل می‌کنند اما تحركات دینی روزبه‌روز بیشتر شده و احیای دینی در نزد مردم مسلمان این کشور خود را بروز می‌دهد (جباری، ۱۳۹۰: ۴۰).

۷-۸) صهیونیسم ستیزی

انقلاب اسلامی ایران، از اولین روز پیروزی خود، حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان را در سرلوحه‌ی اهداف خود قرار داده است. سایر ملل مسلمان نیز با تأسی به جمهوری اسلامی ایران به یاری آن‌ها شتافته‌اند و اگرچه حکومت‌های منطقه به سرکوب ملل مسلمان می‌پردازند، اما ایده مبارزه با اهداف افسانه‌ای صهیونیسم با حمایت ملل مسلمان و با رهبری انقلاب اسلامی ایران ناکام مانده است و روزبه‌روز به انحطاط خود نزدیک می‌شود. مردم

مسلمان قفقاز به خصوص جمهوری آذربایجان در طول دو دهه گذشته با تأثیرپذیری از جمهوری اسلامی ایران نسبت به حوادث جهان اسلام مثل حمله‌ی رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان، روز جهانی قدس واکنش نشان داده و در تجمعات و تظاهرات و مواضع مختلف از آن‌ها حمایت کرده‌اند. نظرسنجی صورت گرفته توسط مرکز مطالعات دینی شرق این موضوع را تأیید می‌کند: به دنبال حملات رژیم صهیونیستی به غزه، در یک نظرسنجی ۷۶٫۵ درصد پاسخ‌دهندگان اسرائیل را مقصر می‌دانند و ۱۲ درصد نیز علت هجوم اسرائیل را تحریک حماس دانستند. ۶۴ درصد پاسخ‌دهندگان هجوم به غزه را وحشی‌گری و قتل‌عام نامیده و ۱۸ درصد عرصه آزمایش سلاح و ۶ درصد دفاع از خود نامیدند. ۹۳ درصد پرسش‌شوندگان، قتل‌عام کودکان، زنان و سال‌خوردگان را محکوم و ۵٫۵ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۱ نفر) این قتل‌عام را نتایج غیرقابل‌انکار جنگ دانستند و ۸۴ درصد نیز گفتند هیچ بهانه‌ای نمی‌توان برای آن آورد ۶۹ درصد پاسخ‌دهندگان، هدف اسرائیل را بمباران فلسطین و غزه اعلام کردند. ۷۷ درصد سؤال‌شوندگان اعلام کردند که چون اسرائیل به اهداف خود نرسید، لذا جنگ را تمام کرد (خبرگزاری ایرنا، ۸۷/۱۱/۶ و نیز، ۲۰۰۹/۱/۲۴، Yenisharq.org).

۷-۹) احیای دینی

اگرچه سرکوب اسلام‌گرایی و دین‌ستیزی از جمله سیاست‌های دولت‌های منطقه قفقاز در دهه‌های گذشته بوده است و شیعیان سختی‌ها و فشارهای زیادی را در این مسیر متحمل شده‌اند، تا به دنبال جریان احیای دینی نباشند، اما بعد از وقوع انقلاب اسلامی، در جهان اسلام و به خصوص کشورهای منطقه، شاهد احیای دین در بین مسلمانان هستیم که مصادیق آن شامل حضور پرشور مردم در مساجد و اماکن مذهبی و نمازهای جمعه است اکثریت حاضران در این اماکن مذهبی و تجمعات دینی را جوانان تشکیل می‌دهند. که ضمن برپایی شعائر اسلامی، خواستار برچیده شدن مصادیق فساد و ضد اخلاقیات در جامعه می‌باشند.

تمایلات و حضور رو به رشد مردم به حضور در عتبات عالیات و مکه معظمه در نزد ساکنان قفقاز به خصوص جمهوری آذربایجان در سال‌های پس از فروپاشی شوروی و بعد از انقلاب اسلامی ایران باعث رعایت موازین اسلامی و خواسته‌های دینی در نزد افرادی می‌شود که لقب حاجی و کربلایی و مشهدی را با خود دارند. زیارت و عشق به ائمه موجب بیشتر شدن گرایش‌های دینی و همچنین پاک شدن جامعه از آلودگی‌ها و آشنایی مردم به دیدگاه‌ها و آموزه‌های ائمه اطهار (ع) می‌شود. طبق آمار گمرک در اوایل دهه ۱۳۸۰،

استان‌های گیلان و اردبیل و آذربایجان شرقی، روزانه بیش از ۱۰ هزار نفر از مردم مسلمان جمهوری آذربایجان وارد جمهوری اسلامی ایران می‌شوند که هدف سفر اغلب آن‌ها زیارت و یا درمان بود. ماه‌های محرم و صفر و ماه مبارک رمضان نقطه‌ی اوج احساسات دینی و تحرکات مذهبی مسلمانان جمهوری‌های گرجستان، روسیه، داغستان، اوکراین و خصوصاً جمهوری آذربایجان بود که با حضور در محافل و اماکن مذهبی و خیابان‌های شهرهای مختلف این کشور، مراسم مذهبی را برگزار می‌کردند (حشمت زاده، ۱۳۸۱: ۱۸).

احیای دینی در جمهوری آذربایجان تازه استقلال یافته، در همه‌ی ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و... رو به رشد بود. با وجود ممنوعیت‌ها، اما توجه و تمایل به آموختن احکام و مبانی اعتقادی اسلامی انفرادی و جمعی بیشتر می‌شد و بخش عمده‌ی کتاب‌ها و رساله‌های ممنوع شده‌ی مراجع ایرانی به راحتی قابل دسترس بودند (بایرام زاده، ۲۰۰۸). سریال یوسف پیامبر بیش از ۲۵۰ هزار نسخه تکثیر شده و مورد استقبال مردم قرار گرفته است. در گرجستان نیز رویکرد دینی و آشنایی مردم با اسلام بیشتر شده است در حالی که قبلاً فقط نام اسلام مشهود بود (شیرازی، ۱۳۷۰: ۴۴).

۷-۱۰) شکوه دینی و هیجان اجتماعی در مراسم مذهبی

حضور در مساجد و اماکن مذهبی و زیارتی، برگزاری مراسم مذهبی در اعیاد و وفیات اسلامی به خصوص در مراسم ماه‌های محرم، صفر و رمضان برجستگی ویژه‌ای در نزد مردم منطقه‌ی قفقاز یافته است (حشمت زاده، ۱۳۸۱: ۱۱).

۷-۱۱) توجه ویژه به حجاب

در حال حاضر حجاب در جمهوری آذربایجان در حال تبدیل شدن به یک فرهنگ است. مقایسه‌ی دو دهه گذشته، از ده‌ها برابر شدن بانوان محجبه حکایت دارد. در یک دهه‌ی اخیر، توجه به حجاب و پوشش اسلامی در نزد بانوان مسلمان مناطق قفقاز به خصوص جمهوری آذربایجان رشد فزاینده‌ای داشته است به گونه‌ای که در مطالعه بنیاد مطالعات قفقاز (بیش از دوسوم از مردم جمهوری آذربایجان خواستار حجاب اسلامی شده بودند. درصد جمعیت بانوان و دانش آموزان محجبه نیز با وجود محدودیت‌های صورت گرفته بیشتر شده به شکلی که از درصدهای خیلی پائین یک دهه قبل به حدود ۳۰ درصد رسیده بود. تمایلات دینی مردم و

^۱ . Gafgaz Info

افزایش بانوان محجبه موجب گردید تا دولت در اقدامات مختلفی با این پدیده اسلامی و اجتماعی واکنش نشان دهند و هنگامی که با فشار اسلام‌گرایان نتوانست در مجلس آذربایجان، قانون ممانعت از حجاب را تصویب نماید، در بخشنامه‌ای به مدارس متوسط، حضور دختران را منوط به استفاده از پوشش متحدالشکل کرد که این امر با اعتراضات سراسری روبه‌رو شد و حکومت نیز اقدام به سرکوب دین‌داران (جباری، ۱۳۹۰: ۴۴).

۸) موج رقیب و کاستی‌ها و چالش‌های انقلاب اسلامی در قفقاز

با استقلال سه کشور آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، رقابت شدیدی میان دو قدرت جهانی آمریکا و اتحادیه اروپا و سه قدرت منطقه‌ای روسیه، ترکیه و ایران در قفقاز جنوبی در گرفت. هر کدام از این کشورها با تأکید بر زمینه‌ای که بتواند آنان را با قفقاز پیوند دهد، تلاش گسترده‌ای به خرج دادند تا نفوذ سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و فرهنگی خود را در این منطقه تثبیت کنند. ضمن آن که رژیم صهیونیستی هر چند با تأخیر به میدان رقابت پیوست، اما دستاوردهای زیادی را در قفقاز حاصل نمود. گذشته از این، به‌رغم سابقه‌ی تاریخی و تمدن طولانی ایران و قفقاز، می‌توان گفت که هر چند مسئولین سیاست خارجی انقلاب اسلامی نسبت به قفقاز حساسیت نشان دادند، اما عدم شناخت دقیق از واقعیت‌های جدید قفقاز، چالش و مانعی دیگر پیشروی آنان بود. در واقع، راجع به مسائل قفقاز در سطوح مختلف، شناخت کافی وجود نداشت. این باور احساسی و علاقه ایران نسبت به قفقاز، وقتی با عدم شناخت مواجه می‌شود، توقعاتی را ایجاد می‌کند که در سطح روابط، جواب نمی‌دهد (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

در عین حال، از کنار عملکرد ضعیف دستگاه دیپلماسی و نمایندگی‌های سیاسی ایران در کشورهای قفقاز به‌سادگی نمی‌توان گذشت. تا جایی که برخی، سیاست خارجی ایران را در رابطه با سه کشور حوزه قفقاز جنوبی سردرگم و ناکارآمد تحلیل می‌کنند (افشردی، ۱۳۸۱: ۴۲۲).

شیرین هانتر، علت این مسئله را به تحت تأثیر قرار گرفتن ایران برای حفظ روابط حسنه با روسیه مربوط می‌داند (هانتر، ۱۳۸۲: ۲۶۰). در کنار آن، مشکلاتی که قدرت‌های سلطه‌گر، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی در این زمینه به وجود می‌آورند، جای خود را دارد، تا جایی که اساس سیاست آمریکا در آسیای میانه و قفقاز را در این مدت، سیاست «همه‌چیز بدون ایران» تشکیل داده است و این کشورها سعی زیادی به خرج می‌دهند تا ایران را از

معادلات سیاسی و اقتصادی قفقاز حذف کنند (دهقان طرزجی، ۱۳۷۹: ۴۲). در مجموع می‌توان چالش‌ها و موانع پیش‌پای انقلاب اسلامی جهت تأثیر بر تحولات سیاسی قفقاز را در دودسته خلاصه کرد: الف) عوامل بیرونی؛ شامل رقابت و دخالت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای با ایران در رابطه با قفقاز با ایدئولوژی‌ها و ایسم‌های شناخته‌شده (ب) عوامل درونی؛ ضعف امکانات ستادی، فقدان شناخت صحیح حقایق حاکم بر قفقاز و نداشتن الگوی نظری و عملی شفاف در رابطه با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی (شفایی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

کلام آخر

وقوع انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب دینی و ایدئولوژیک و موضع‌گیری آن علیه قدرت‌های استکباری و داعیه‌ی حمایت از محرومین و مستضعفین با استقبال روبرو شد. انقلاب هم از ابتدا در پی گسترش آرمان‌های خود به سایر جوامع به‌ویژه مسلمانان و همسایگان برآمد. این انقلاب با مایه‌های اثربخش خود به کشورهای منطقه وارد شد و هرجایی بنا به شرایط و مقتضیات در نقطه‌ای از زمان تحول و جنبشی را ایجاد کرد. این مایه‌های اثربخش به‌طور عادی و یا ارادی و برنامه‌ریزی‌شده بازتاب یافته و دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های دینی و سیاسی را با شدت و ضعف‌های مختلف متأثر کرد. در این حال، نظریه پخش می‌تواند برای نشان دادن میزان تأثیرگذاری و گسترش انقلاب در سایر جوامع مورد استفاده قرار گیرد. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مبدأ و کانون پخش، دارای اصالت و هویت خاص خود است. جامعه هدف و مقصد پخش، می‌تواند یک کشور همسایه اسلامی باشد که اشتراکاتی با ایران دارد که آن را به یک محیط پذیرای موضوع پخش تبدیل کرده است. هرچند در این بین، موانعی از جمله امواج رقیب همچون امریکا، روسیه و وجود رژیم صهیونیستی از بعد خارجی و نیز عملکرد ضعیف دیپلماسی ایران وجود دارد. از نظر زمان نیز این بازتاب و اثر ادامه‌دار و مداوم است و فاصله زمانی نیز در تسریع انتقال آن تأثیر دارد.

بازتاب تأثیرات انقلاب اسلامی در این کشورها در چند دهه اخیر، موجب ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی و گسترش فعالیت‌های گروه‌های شیعه اسلام‌گرا شده است. با وقوع انقلاب اسلامی و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای فراروی شیعیان منطقه‌ی قفقاز گشوده شده که هم الگوی عینی برای تحولات و تحولات سیاسی-اجتماعی بوده و هم نقطه‌ی عطفی در سازمان یافتن شیعیان اسلام‌گرا است. انقلاب اسلامی باعث

احیای هویت دینی این جوامع، بازگشت اخلاق و دین به عرصه‌ی اجتماع و سیاست، تقویت روحیهٔ استکبارستیزی و مبارزه با سلطه‌طلبی ابرقدرت‌ها شد و علاوه بر آن موجب گردید تا گروه‌های اسلام‌گرا خواستار مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی خود باشند. این تحرکات سبب شد تا گروه‌های شیعی در محدودیت‌های زیادی قرار بگیرند، اما به‌رغم این فشارها، جمعیت‌های شیعی به دلیل فرهنگ سیاسی و انقلابی تقویت‌کنندهٔ روحیه افراد، نه‌تنها بر اثر فشارهای صورت گرفته تضعیف نشده، بلکه، بیش از گذشته و با ایمان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. از جمله‌ی این فعالیت‌ها می‌توان به حضور در جریان‌ها و حوادث سیاسی، مخالفت و مبارزه با جریان‌های تفرقه‌افکن، دفاع از جمهوری اسلامی ایران، ممانعت از حضور فعال رژیم صهیونیستی در این منطقه اشاره کرد.

References

- Ahmadi, Hossein (2006), *Developments in the Caucasus Special Zone*, First Edition, Tehran, Institute of Contemporary Iranian History Studies. (in Persian)
- Afshardi, Mohammad Hossein (2002), *Caucasus Geopolitics; Politics of the Islamic Republic of Iran*, First Edition, Tehran, Islamic Revolutionary Guard Corps.
- Balif, Igor (1996), "Islam and Politics", *Journal of Defense Policy*, Volume 4, Number 4. (in Persian)
- Borjian, Habib (2002), *Ireyston; Republic of Persian spoken people of North Caucasus Central Asia and Caucasus Quarterly*, Vol. 37. (in Persian)
- Barzegar, Ebrahim (2003), "Theory of Diffusion and Reflection of the Islamic Revolution", *two quarterly journal of law and politics research*, fifth year, spring and summer, No. 8. (in Persian)
- Barzegar, Ebrahim (2012), *Theories of Global Reflection of the Islamic Revolution of Iran*, First Edition, Tehran, Imam Sadeq University Press. (in Persian)
- Panoff, Michel and Michel Body (1989), *Ethnological Culture*, translated by Asghar Askari Khaneghah, Tehran, Voice Publications. (in Persian)
- Jabbari, Vali (2011), "Islamic Revolution and its impact on the Caucasus region", *Research Quarterly of Aran Cultural Institute*, Year 9, Winter, No. 26 and 27. (in Persian)
- Jordan, Terry and Leicester Ravantri (2001), *An Introduction to Cultural Geography*, translated by Simin Toulaei and Mohammad Soleimani, Tehran, Institute of Culture and Communication. (in Persian)

- Hosseini, Seyyed Mohammad Sadegh and Barzegar, Ebrahim (2013), Theory of Diffusion and Reflection of the Islamic Revolution of Iran on Saudi Arabia, Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, Tenth Year, Summer, No. 33. (in Persian)
- Heshmatzadeh, Mohammad Baqer (2002), "Islamic Revolution and Muslim Countries", Quarterly Journal of Islamic Revolution Thought, First Year, Spring, First Issue. (in Persian)
- Khan Arani, Elaheh and Barzegar, Ebrahim (2011), The Reflection of the Islamic Revolution on Western Europe, Scientific Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, Eighth Year, No. 26. (in Persian)
- IRNA News Agency, 25/01/2009 and also, 24/01/2009, yenisharq.org, Baku. (in Persian)
- Dehghan Tarzaji, Mahmoud (2000), Foreign Policy of Iran and its Neighbors in the Second Decade of the Islamic Revolution, First Edition, Tehran, Soroush. (in Persian)
- Rafipour, Faramarz (1997), Development and Contradiction, Tehran, Shahid Beheshti University Press. (in Persian)
- Ramezani, Ruhollah (2009), The Export of the Iranian Revolution: "Politics, Goals and Means" in John Al-Esposito, The Iranian Revolution and Its Global Reflection, translated by Mohsen Modir Shanehchi, third edition, Tehran, Recognition of Islam and Iran. (in Persian)
- Baku newspaper, 10/09/2008
- Newspaper of the Islamic Republic of Iran, 10/12/1986 (in Persian)
- Newspaper of the Islamic Republic of Iran, 15/06/1999. (in Persian)
- Sanya, Thomas et al. (2003), Conflict faults in Central Asia and the South Caucasus, translated by a group of translators, first edition, Tehran, Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research. (in Persian)
- Shafaei, Amanullah (2009), "The Impact of the Islamic Revolution on the Political Developments of the Caucasus Region", Quarterly Journal of Political Science, Twelfth Year, No. 48. (in Persian)
- Shokooi, Hossein (1985), Applied Geography and Geographical Schools, Mashhad, Astan Quds Razavi Publications. (in Persian)
- Sheikh Attar, Alireza (1994), The Roots of Political Behavior in Central Asia and the Caucasus, Third Edition, Tehran, Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)
- Aliyev, Haj Ali Akram (2006), Memoirs, Editor: Abdolhossein Shahidi Arasbaran, Tehran, Islamic Revolution Document Center. (in Persian)

Fuller, Graham (1994), *Qibla of the world; Geopolitics of Iran*, translated by Abbas Mokhber, Tehran, Markaz Nashr. (in Persian)

Karimifard, Hossein and Khaled Hezbavi (2016), "Theory of the diffusion and the impact of the Islamic Revolution on the Shiites of Bahrain", *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, Fifth Year, No. 18. (in Persian)

Gershman, Roman (1989), *Iran from the beginning until to Islamic era*, translated by Mohammad Moin, Tehran, Elmi Farhangi publications. (in Persian)

Mohammadi, Manouchehr (2001), *Islamic Revolution; Backgrounds and Consequences*, Tehran, Maaref Publications. (in Persian)

Mohammadi, Manouchehr (2002), *The Global Reflection of the Islamic Revolution*, Second Edition, Qom, Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)

Mohammadi, Manouchehr (2006), *The Global Reflection of the Islamic Revolution*, Tehran, Institute of Culture and the Islamic Revolution. (in Persian)

Hunter, Shirin (2003), "Iran's regionalist policy", *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, Autumn, No. 43. (in Persian)

Palloni, Alberto, 2007, *Theories and Models of Diffusion in Sociology*, Center for Demography and Ecology University of Wisconsin, USA.

Keddie, Nikki, (1980), *Oil Economic Policy and Social Conflict; Race and Class*, London: Frank Cass.

Kuper, Adam, (1985), akdjessica kuper (ed) "The socience encyclopedia", London, Reutledge and paul.

www.Farsnews.Com, 1385/05/16